

مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی*

حسین خطیبی**

ابوالفضل ساجدی***

چکیده

رسیدن به سبک زندگی مطلوب اسلام و ارزیابی سبک زندگی موجود در جوامع مسلمان در گرو دانستن شاخص‌های زندگی اسلامی است. این تحقیق با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای داده‌های عقلی و نقلی، که منابع استخراج سبک زندگی اسلامی به‌شمار می‌روند، به تعیین شاخص‌های سبک زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. بر اساس فلسفه زندگی برآمده از آیات و روایات، سبک زندگی اسلامی ریشه در شکوفایی ارزش‌های عقلی و فطری داشته، در حیات عقلانی تجلی می‌یابد. حیات طیبه اسلامی، رهاورد سبک فردی عقلانی و سلوک اجتماعی عاقلانه است.

برخی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در بُعد فردی عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی نیکو و برنامه‌های نیکو، نیکوگفتاری و گفتارهای نیکو، نیکوخوری و خوراک نیکو و نیکوخواهی و رقبای نیکو. مفاهیم دیگری همچون سلوک متواضعانه و در عین حال عزتمندانه و نیز سلوک متعبدانه، عادلانه، متعادلانه، صادقانه، مسئولانه و مجاهدانه از مؤلفه‌های سلوک اجتماعی عاقلانه شمرده می‌شوند. مجموعه این مؤلفه‌ها، حیات طیبه انسانی و سبک زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهند. هدف این مقاله ارائه شاخص‌هایی به‌منظور سنجش میزان تحقق حیات عقلی است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه زندگی، معنای زندگی، سبک زندگی قرآنی، حیات طیبه، حیات

عقلانی، حیات انسانی، شاخص‌های سبک فردی و سلوک اجتماعی اسلامی.

* این تحقیق با حمایت مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در گروه تربیت اسلامی مؤسسه مطالعات راهبردی قدر انجام شده است.

** سطح چهار حوزه علمیه و کارشناس ارشد علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

hkh-tehrani@mihanmail.ir

sajedi@qabas.net

*** دانشیار گروه کلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

پذیرش: ۹۲/۲/۱۰

دریافت: ۹۱/۷/۲۱

مقدمه

عده‌ای گفته شد ﴿فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ﴾ (اعراف: ۱۷۶) یا ﴿كَمَثَلِ الْجَمَارِ﴾ (جمعه: ۵) سخن از تحقیر نیست؛ سخن از تحقیق است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹، ذیل آیه ۲۴ انفال). منبع دیگر استخراج شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، که از کتاب و سنت برمی‌آید، عقل است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۸). عقل (حِرْعَامَلِی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۵۰)، هم منبع سبک زندگی اسلامی است و هم مقصد آن. هدف از ارسال رسل و انزال کتب، به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام، عقلانی نمودن حیات و زندگی است: «فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیائهم لیستأدوهم میثاق فطرتهم و یدگر و هم منسی نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یثیروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خ ۱، ص ۴۳). «إثاره» در لغت عرب از ریشه «ثور» به معنای انبعاث، برانگیختن، بلند کردن و آشکار کردن است. «ثار الغبار» یعنی: گرد و غبار برخاست (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۵). انقلاب، قیام، نهضت و جنبش را نیز به همین مناسبت «ثوره» می‌گویند. دفسینه‌ها و گنجینه‌های عقلی نیز، همان ارزش‌های عقلانی‌اند. طبق این بیان نورانی، اگر کسی ارزش‌های عقلانی را در سبک فردی و سلوک اجتماعی خود، حاکم ساخت، به مقصد رسیده است.

البته، باید توجه داشت که حیات عقلی غیر از حیات ذهنی است. مصداقی که تربیت عقلانی در الگوی رایج در جهان به دنبال آن است، تربیت ذهنی و فکری است، ولی آنچه قرآن کریم دنبال می‌کند، سپردن زمام تعقل به دست قلب است که با صرف تربیت فکری محقق نمی‌شود. قلب، تنها زمانی می‌تواند زمام عقل را به دست گیرد، که بینا (حج: ۴۶)، بیدار و زنده باشد (انفال: ۲۴). بیناسازی و حیات‌بخشی قلب، رسالت تربیت اخلاقی بوده و از آن

سبک زندگی اسلامی در سبک زندگی مطلوب و آن نیز در سبک زندگی انسانی و الهی تجلی می‌یابد. سبک زندگی، چه در سطح انسانی و چه در رتبه الهی آن، از دو منظر قابل بررسی است: یکی، از منظر ایجاد و نهادینه ساختن آن در اجتماع؛ چراکه سبک زندگی اسلامی ساختنی است، نه یافتنی. دوم، از منظر ارزیابی وضع موجود و تعیین فاصله تا وضعیت مطلوب. استخراج شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، تأمین‌کننده هر دو منظر و هر دو منظور خواهد بود؛ چه شاخص، از یک جهت ترسیم‌کننده وضعیت مطلوب و از جهت دیگر، نشانگر فاصله وضع موجود با وضعیت مطلوب است.

منبع اصلی استخراج سبک زندگی اسلامی کتاب الهی بوده، زندگی اسلامی در زندگی قرآنی معنا می‌یابد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۹، ص ۱۹). قرآن کریم و عدل آن (همان، ج ۲، ص ۱۷۳)، همان‌گونه که در علم اصول، مرجع ارزیابی علوم شناخته شده‌اند، در علم اخلاق نیز، مرجع ارزیابی اعمال به‌شمار می‌روند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹). دعوت الهی در حقیقت، آب زندگانی است که فرد و جامعه را زنده می‌کند. بنابر کریمه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾ (انفال: ۲۴)، وقتی خداوند متعال و رسول او به عقاید دینی، اخلاق دینی و حقوق دینی دعوت می‌کنند، اینها عامل حیات بوده، اجابت‌کنندگان آن، به حیات انسانی می‌رسند. از این رو، قرآن کریم بین زنده و کافر تقابل قرار داده (یس: ۷۰)، فرمود: انسان یا زنده است یا کافر؛ یعنی انسان یا مؤمن است یا کافر؛ اگر مؤمن بود، زنده و اگر کافر بود، مُرده است. کافر حیات گیاهی و حیوانی دارد (فرقان: ۴۴)، ولی حیات انسانی ندارد. تنها کسانی که دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنند، به حیات انسانی می‌رسند. اگر درباره

سبک زندگی، از اصطلاحات علوم اجتماعی بوده، تعاریف متعددی برای آن ارائه شده که عمدتاً بر رویکرد مادی مبتنی هستند. پرداختن به این اصطلاح با رویکرد اسلامی، به تازگی و به‌ویژه پس از تأکید مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) رایج شده و از پیشینه مطالعاتی کهنی برخوردار نیست. مقاله حاضر، علاوه بر داشتن رویکرد اسلامی، با رویکرد خاص تربیتی به این مقوله نگریسته، که به نوبه خود در تعلیم و تربیت اسلامی تازگی داشته، مشکل فقر پیشینه را دوجندان می‌کند. با توجه به این دو رویکرد، عمده منابع قابل استفاده در این‌گونه تحقیقات، پس از واکاوی معنای اصطلاحی سبک زندگی در علوم اجتماعی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی و بازخوانی آن در رویکرد اسلامی، عبارت از آیات، روایات و تفاسیر اندیشمندان مسلمان بر آنها بوده، این منابع را می‌توان پیشینه عامی برای توصیف سبک زندگی اسلامی و یافتن شاخص‌ها و راه کارهای تحقق آن به‌شمار آورد.

سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در دو بعد فردی و اجتماعی و شاخص‌های مربوط به هر یک از آن مؤلفه‌ها کدام‌اند؟ سؤال‌های فرعی عبارتند از: معنای سبک زندگی اسلامی چیست؟ منابع استخراج سبک زندگی اسلامی کدام‌اند؟

ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حیات عقلی

الگوهای غیراسلامی تربیت عقلانی، با به حرکت واداشتن فکر و رسیدن به تحرک فکری به هدف خود که تربیت عاقل بود دست یافته‌اند، اما الگوی اسلامی تربیت عقلانی، زمانی به عاقل بودن انسان حکم می‌کند که تحرک فکری او حاکمانه باشد، نه خادمانه و در خدمت هواهای نفسانی. از نظر اسلام، فکری حکیمانه، نورانی و ملکوتی است که در جریان حکومت عقل تولید شده باشد

پس است که زمام عقل را قلب به دست گرفته، تربیت عقلانی به معنای مورد نظر الگوی قرآنی، محقق می‌شود. بنابراین، تعقل ثمره هر دوی تفکر ذهنی و تفقه قلبی به‌شمار رفته، تربیت عقلانی، مستلزم تربیت هماهنگ افکار و اخلاق است. از این رو، علی‌رغم استقلال ساحت تربیت عقلانی از تربیت اخلاقی، وجود هماهنگی میان این دو ساحت، شرط اساسی تحقق عقلانیت بوده، بدون وجود این شرط، آنچه پدیدار می‌شود، تربیت فکری محض است نه تربیت عقلانی. توجه به این شرط، نقش تعیین‌کننده در تفکیک الگوی اسلامی تربیت عقلانی از الگوی غیراسلامی خواهد داشت.

حیات عقلانی، در واقع، تجلی افکار حکیمانه در ساحت رفتار و نتیجه حکمت اندیشه و حکومت فکر بر انگیزه متربی است. تربیت یافته عقلی، به‌طور کلی، رفتار و منشی معقول و حکیمانه داشته، سبک زندگی او نیکو و خردمندانه خواهد بود. اینچنین شخصیتی، شایسته نام عاقل و دارای زندگی عقلی خواهد بود. مؤلفه‌ها و شاخص‌های انسان زنده و دارای حیات و منش عقلی، در دو بُعد سبک زندگی فردی و سلوک اجتماعی عاقلانه بررسی می‌شوند. لازم به ذکر است که «شاخص» در فرایند تحقیق، گاهی به معنای مفهومی مرکب و دارای ابعاد و مؤلفه‌های متعدد به کار می‌رود. این نوع شاخص در واقع، شاخص ترکیبی بوده، نماینده مفاهیم کلی تری است که پیش از این مفهوم واقع می‌شوند. اما برای اندازه‌گیری و سنجش تحولات تربیتی و رفتارهای مربیان و متربیان، نیاز به شاخص‌های ساده و خردتری است که گاه از آنها به «نماگر» نیز تعبیر می‌شود. پس شاخص ترکیبی قبل از بُعد و مؤلفه و شاخص ساده بعد از آن دو قرار دارند. در ادبیات پژوهشی و اجرایی رایج، مراد از شاخص هنگامی که به‌طور مطلق ذکر می‌شود، همان شاخص ساده یا نماگر است.

تکمیل عقول مردم برپا می‌شود. به فرموده امام باقر علیه السلام زمانی که حضرت قیام کند، خداوند متعال دست عنایت ایشان را بر سر مردم گذاشته، عقل آنان را جمع و حلم آنان را کامل می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵۲، ص ۳۶۲). همان‌گونه که گفته شد، حیات عقلی، دارای دو بعد فردی و اجتماعی است:

۱. حیات عقلی فردی یا سبک زندگی معقول

واژه سنت یا سبک زندگی که در ابتدا توسط مسلمانان و از روش زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفته شد، در سال ۱۹۲۹م توسط آلفرد آدلر در غرب بازیابی و نسبت به رویکردهایی که در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بدان پرداخته شد، تعاریف متفاوتی یافت (ر.ک: مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷). سبک‌های زندگی به‌طور کلی، الگویی برخاسته از مجموعه ارزش‌ها، نگرش‌ها، کنش‌ها، سلیقه‌ها و ابزارها و بیانگر ماهیت و محتوای رفتارهای فردی و اجتماعی هستند (ر.ک: رضوی‌زاده، ۱۳۸۴).

ارزش، بنیادی‌ترین مؤلفه سبک زندگی بوده، می‌توان هویت و کیفیت زندگی فرد را، بازتابی از ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول او و جامعه دانست. در جوامع کنونی غربی، انواع ارزش‌های مادی و فرامادی، در کالاهای مصرفی و رسانه‌های جمعی ادغام می‌شوند. سبکی شدن زندگی با شکل‌گیری فرهنگ نیز، رابطه نزدیک دارد (ذکایی، ۱۳۸۵؛ روحانی و دیگران، ۱۳۸۹). از این رو، می‌توان فرهنگ‌شناسی جوامع را از سبک زندگی آنها به دست آورد. پس سبک زندگی افراد، بر اینند اراده آنها برای خلق شخصیت و هویت فرهنگی و اجتماعی خویش در قالب ارزش‌ها و هنجارهای مورد پذیرش خود و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. سبک زندگی معقول و متأثر از الگوی مطلوب

(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۴۹۰۲). از این منظر، حرکت فکر با حکم‌رانی هوا، حرکتی مُلکی و سفیهانه خواهد بود. حیات انسان در پرتو عقل و علم، حیات عقلی است، ولی حیات او در سایه هوا و هوس، حیاتی حیوانی و ظلمانی خواهد بود (نور: ۴۰؛ انعام: ۱۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۵۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ص ۴۱۸-۴۲۰).

الگوی اسلامی تربیت عقلانی، فقط رشد فکری به انسان نمی‌دهد، بلکه عقل او را زنده (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خ ۲۲۰) و تحت تدبیر عقل زنده، در همه شئون فردی و اجتماعی به انسان حیات عقلی عطا می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۳۵۷۹). انسانی که بنابر الگوهای غیراسلامی رشد فکری یافته، ممکن است تحت تدبیر هوای خود باشد، ولی انسان عاقل و پرورش‌یافته بر اساس الگوی اسلامی، دارای زندگانی عقلانی خواهد بود (متقی هندی، بی تا، ح ۱۱۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۸، ص ۳۱۰). تربیت یافته عقلی، رفتار و منش حکیمانه داشته، زندگی او خوشایند و خردمندانه خواهد بود. خانواده عقلانی و جامعه عقلی، نتیجه تدبیر منزل و سیاست مُدُن توسط چنین شخصیتی است. مؤلفه‌های حیات و منش عقلی، عبارتند از: سبک زندگی معقول در بُعد حیات فردی و سلوک عاقلانه در بُعد حیات اجتماعی. سبک زندگی، ارتباط وثیقی با معنا و فلسفه زندگی داشته، از آن رو که فلسفه حیات، تبلور عقلانیت است، سبک زندگی اسلامی در پیدا کردن حیات عقلانی خلاصه می‌شود.

اگر فلسفه زندگی، یافتن حیات عقلی است، پس حیات طیبه‌ای که قرآن کریم به مؤمنان و صالحان وعده می‌دهد نیز چیزی جز آن نخواهد بود (نحل: ۹۷). تمام آثار، فواید و بهره‌هایی که بر حیات طیبه در کتاب و سنت شریف مترتب شده، در سایه حیات عقلانی تحقق پیدا می‌کنند (نور: ۵۵). حکومت مهدوی نیز پس از تجمیع و

نیکوکار؛ چنان‌که کارهای شایسته را هم می‌توان بد انجام داد و هم خوب. منظور از نیکوکاری، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حیات عقلی، هم حسن فاعلی است و هم انجام نیکوی کردارهای شایسته که ریشه در سیرت شایسته و قلب سلیم یک انسان دارد. زیبامنشی و زیباسیرتی غیر از زیبارفتاری به‌شمار می‌روند. آنچه در این قسمت، به‌عنوان شاخص عقل و حیات عقلی موردنظر بوده، حسن باطن و حسن ظاهری است که ناشی از حسن باطن و تربیت یافتگی عقل باشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۲). به‌فرموده روایات، یکی از نشانه‌های عاقل، نیکویی کردار اوست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۴۵۳)؛ چه عقل، معیار صلاح و مصلح همه چیز است (همان، ج ۱، ص ۱۱۰ و ۲۱۰؛ ج ۲، ص ۹۵۴ و ۹۵۵). عقل سرچشمه خیرات بوده (همان، ج ۱، ص ۱۷۳) و همه خیرات از عقل هستند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۵۴)؛ عقل است که راه هدایت را از گمراهی آشکار می‌کند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۷۵۹). به‌طور کلی، سعادت دنیا و آخرت، در سایه عقل به‌دست می‌آید (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۷).

پس زیبامنشی، خوش‌باطنی و اهل خیر بودن از خصوصیات و نشانه‌های عاقل خواهد بود. منش زیبا و سیرت نیکو، تأثیرات مطلوبی بر رفتار و گفتار می‌گذارد که از مجموع آنها به‌عنوان «سبک زندگی عقلانی» یاد می‌شود. نمودهای بیرونی نیکوکاری و خوش‌باطنی را می‌توان به انسجام و انتظام امور زندگی و شایستگی تک‌تک کارها به‌صورت انفرادی تقسیم کرد. از انسجام امور، به برنامه‌ریزی و تدبیر طیب در زندگی تعبیر نموده و شایستگی تک‌تک امور را در نیکوگفتاری، نیکوخوری و نیکوخواهی خلاصه می‌نماییم.

گرچه نیکوگفتن، نیکو خفتن و نیکو خوردن، از مهم‌ترین

اسلامی (فاضل قانع، ۱۳۹۱)، در نیکوکار بودن انسان و بروز کارهای نیکو از او تجلی می‌یابد. کارهای نیکو و افعال طیبیه یعنی انجام خیرات، و نیکوکاری نیز در ریشه‌داری کردارهای شایسته در نفس و نشئت گرفتن آنها از ملکه نفسانی معنا می‌یابد. فرق نیکوکار بودن و انجام کارهای نیکو، شبیه فرقی است که در قرآن کریم میان مقام عبودیت و صلاحیت با انجام عبادت و عمل صالح وجود دارد؛ ممکن است کسی اعمال صالح و عبادات بسیاری به‌جا آورد، ولی مقام صلاح و عبودیت او به اندازه مقدار عبادت و اعمال شایسته‌اش نباشد (طبرسی، ۱۳۳۹، ج ۱۰، ص ۴۸۷). عمل صالح و عبادی داشتن با عبد صالح بودن متفاوت است. انسان مادامی که در مرز انجام عمل صالح قرار دارد احتمال لغزش و عوض شدن ذاتش می‌رود (ر.ک: مکام شیرازی و دیگران، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۴۹). ولی اگر ذات کسی صالح شد و عمل صالح جزء گوهر وجود او گردید، دیگر غیر از عمل صالح چیزی از او صادر نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ذیل آیه ۸۳ شعراء).

بنابراین، ممکن است بین فعل و فاعل در اتصاف به خوبی و بدی و میزان آن دو فرق باشد؛ همان‌طور که می‌شود بین خود فعل و نحوه انجام آن فرق گذاشت. ممکن است کسی کار شایسته را بد انجام دهد و یا کار ناشایسته را خوب انجام دهد. در بحث حیات عقلی فردی یا سبک زندگی معقول، زمانی حسن فاعلی دال بر عقلانیت خواهد بود که ناشی از حسن فاعلی باشد. اگر نیکوکار بودن شخص و کردارهای نیکوی او دست به دست یکدیگر بدهند، سبک زندگی عقلانی را به‌عنوان یکی از شاخص‌های عاقل خواهند ساخت. پس سبک زندگی معقول دارای دو مؤلفه است:

الف. نیکوکاری و حسن فاعلی: کارهای نیک و اعمال طیب را هم شخص ناصالح می‌تواند انجام دهد و هم شخص

شایسته رفتاری و رفتار شایسته است. زمانی که عقل آدمی کامل شد، کمتر سخن گوید (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۵۹) و اگر مصلحت در سخن بیند، گزیده و سنجیده گوید؛ چه زبان عاقل در پس دهان او و در درون دلش قرار دارد (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۴۷۶). اغلب اوقات عاقل به سکوت می‌گذرد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ ق، ص ۳۹۷).

نماگر ۳. نیکو خوری و نیکو خوابی (کم خوری و کم خوابی): همان‌گونه که گفته شد، سبک زندگی، تمام مسائل زیستی هر فرد از جمله نوع مسکن (فاضلی، ۱۳۸۷)، مدل لباس، الگوی مصرف، شیوه آشپزی، خورد و خوراک، نظافت، بهداشت و ورزش را شامل می‌شود که جای نماگرهای آنها در تربیت زیستی است (فاضلی، ۱۳۸۵)؛ رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵). در اینجا به یکی از مهم‌ترین و بارزترین مصادیق معیشت طیب و زیست طیب، یعنی خور و خواب طیب اشاره می‌شود. از آنجاکه شکم‌بازه، طاغی بوده و عاقل، طغیانگر نیست، پس عاقل شکم‌بازه نخواهد بود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۴، ص ۲۱-۲۳). همچنین، عاقل به‌موقع می‌خوابد و به‌موقع بیدار می‌شود. این نماگر یا شاخص ساده، خود نیز دارای نماگرها و شاخص‌های خردتری است که باید در تربیت جسمانی و بدنی بررسی شوند. شیوه کلی زیست اسلامی، حفظ تعادل و سیر در مسیر اعتدال است (اعراف: ۳۱). اسراف در هزینه‌ها و جشن‌ها، اتراف در استفاده از ابزار مادی، رفاه‌زدگی و روی آوردن به تجمل و مصرف افراطی و رقابت در انتخاب لباس، خودرو و مسکن، نشانه‌های بارز سیطره مادیت و سلطه سبک زندگی غربی به‌شمار می‌روند (چاوشیان و اباذری، ۱۳۸۱).

(ب) کارهای نیکو و حُسن فعلی: انسانی که بر اساس الگوی اسلامی تربیت عقلانی، تحت تدبیر عقل خود قرار گرفته،

نماگرهای زندگی فردی به‌شمار می‌روند، ولی امور زندگی منحصر در این سه رفتار نبوده، همه رفتارهای زیستی، اجتماعی و خانوادگی (از جمله سبک ازدواج، شیوه معماری، مدل لباس، الگوی مصرف، تفریح، پر کردن اوقات فراغت، کسب و کار، فعالیت‌های سیاسی، ورزشی و رسانه‌ای) از امور زندگی به‌شمار می‌روند. اما نماگرهای مربوط به هریک از این رفتارها را باید در ساحت تربیتی مربوط به خود، از جمله ساحت تربیت زیستی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مورد بررسی و احصای کامل قرار داد.

نماگر ۱. برنامه‌ریزی نیک یا نظم و تدبیر در زندگی: برنامه‌های نیک، همچون دانه‌های تسبیحی هستند که عقل با برنامه‌ریزی نیکو آنها را گرد هم آورده است. پس برنامه‌ریزی نیک، نقش نخ تسبیح را نسبت به دانه‌های آن بازی می‌کند. عقل با برنامه‌ریزی و تدبیر خود موجب انسجام قوای درونی و شئون نفسانی انسان شده، از این طریق، به حیات او نظم و نظام می‌بخشد (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ ق، ج ۷، ش ۲۷۸۱). نظم و تدبیر زندگی و هماهنگی افعال و برنامه‌های گوناگون انسان، نتیجه انسجام و یکپارچگی قوای درونی او تحت تدبیر عقل است؛ از این‌رو، در روایات شریف، بهترین دلیل بر زیادی عقل، حسن تدبیر (همان، ح ۳۱۵۱) و برترین مردم در عقل، بهترین آنها در تقدیر و برنامه‌ریزی معاش خود شمرده شده است (همان، ح ۳۳۴۰). برنامه‌ریزی عاقلانه از نظر اهل بیت علیهم‌السلام، آن‌گونه برنامه‌ریزی است که برآورنده همه نیازهای مادی و معنوی انسان باشد (حرّعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۹۶).

نماگر ۲. نیکو رفتاری (کم‌گویی، گزیده‌گویی، سنجیده‌گویی، به‌جاگویی): عاقل هم سخن نیک می‌گوید، هم نیکو سخن می‌راند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۵۴). سخن نیک و سخن نیک راندن، از مؤلفه‌های

۱۳۷۹، حکمت ۱۰۴ و ۱۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۶ و ۱۱۰)، ولی هر عاقلی لاجرم حکیمانه سخن خواهد گفت. علم، هم فرآورده عقل است (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ح ۲۷۸۴)، هم فراهم‌آورنده آن (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۹). رابطه علم و عقل، رابطه‌ای دوسویه بوده و همان‌گونه که علم، موجب رشد عقلی، و علم‌آموزی یکی از شیوه‌های تربیت عقلی شمرده می‌شود، از عقل نیز، علم به وجود آمده، تولید علم مرسوم تربیت عقل است. به فرموده قرآن کریم، تعقل و تدبر در آیات تکوینی و تدوینی، تنها برای کسانی میسر است که به واسطه نور علم و معرفت الهی، دانش و بینشی روشنگرانه و اندیشه و انگیزه‌ای تابناک یافته باشند (عنکبوت: ۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۶۴).

آنچه نشانگر تربیت یافتگی عقل است، گفتارهای نیکی است که ناشی از زمام‌داری و میزبانی عقل باشند، نه سخنان نغزی که مهمان حافظه و ذهن انسان شده باشند. دانشمندان سخنان را ندن، زمانی نشانه فرزندی و دانشمندی است که از درون بجوشد و با برون هماهنگ باشد. گفتار نیکو مستلزم رفتار نیک است. پس، پندار، گفتار و رفتار نیک باید همراه و هماهنگ با یکدیگر باشند. همان‌گونه که هر عاقلی، عالم است، عالم واقعی نیز عاقل و عامل به علم خود خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ح ۲۳، ص ۳۷۳).

منزلت انسان در پس سخن او و قیمت واقعی سخن به اندازه فهم صاحب سخن است. از نگاه اسلام، ارزش همه افعال اختیاری انسان به مقدار معرفت، رضایت و سپاسگزاری او نسبت به خدای متعال بوده، تدین انسان با تعقل و تفقه او ارزش‌گذاری می‌شود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۶، ح ۱۲). علم الهی و معرفت نسبت به خدای متعال، موجب حکمت (بقره: ۲۶۹)، رضایت‌مندی، شکرگزاری،

دارای کردارهای شایسته و افعال طیبه خواهد بود. البته هر که کار نیک کرد، نیکوکار و عاقل نخواهد بود. انسانی که حیات عقلی نیافته نیز گاه، تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی کارهای نیکی از او سر می‌زند، اما آنچه به عنوان مؤلفه حیات عقلی به‌شمار می‌آید، کردارهای نیکی است که ناشی از حاکمیت عقل بر قوای نفسانی، تخلق به اخلاق الهی و تودب به آداب انسانی باشد. شرط تحقق الگوی اسلامی تربیت عقلانی، هماهنگی با دیگر ساحت‌های تربیتی همچون تربیت اخلاقی است. از این رو، تربیت یافته عقلی، حتماً انسانی متخلق بوده و فضایل اخلاقی در او ریشه‌دار خواهد بود نه گذرا. عقل، مانند درخت است و ثمره و بار آن جود، سخا و حیا (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۶۵). شخص عاقل خود را بر دیگران ترجیح نداده، از روی تواضع با دیگران برخورد می‌کند؛ در نتیجه، خدای عالم او را سربلند، رفیع و پرآوازه قرار می‌دهد (همان، ج ۱، ص ۱۷۸). در ذیل، به برخی از کارهای نیکو اشاره می‌شود:

نماگر ۱. برنامه‌های نیکو: برنامه‌های حلالی که انسان به وسیله آنها نیازهای مادی و معنوی خود را برآورده می‌کند، برنامه‌های نیک شمرده می‌شوند. مناجات، محاسبه نفس (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۷۰۶)، تفکر و تفریح سالم از برنامه‌های نیکو و طیب شمرده می‌شوند (حرم‌عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۹۶). برنامه‌های نیک، محتوای برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهند. اگر نحوه کنارهم‌چیدن برنامه‌های نیک، درست، متوازن و نیکو باشد، برنامه‌ریزی نیز نیکو خواهد بود.

نماگر ۲. گفتارهای نیکو: گفتارهای طیب، گفتارهای ناشی از دانش و اندیشه بوده، سخنان عالمانه، حکیمانه و عارفانه را شامل می‌شوند. البته، هر که کلام عالمانه و جمله عارفانه‌ای بر زبان آورد عاقل نیست (نهج البلاغه،

حسن ظن به خدا و تسلیم شدن در برابر تقدیر شده (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، کتاب العقل و الجهل)، اینها همه زیبایی پندار، گفتار و رفتارهای انسان را در پی خواهند داشت.

نماگر ۳. خواب و خوراک نیکو: مزاج عاقل، نسبت به خباثت، ناسازگار بوده، فقط به طبیعت میل دارد. اگر کسی به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های ناسالم و مصنوعی خو گرفته، به یقین عاقل نخواهد بود. نتیجه خوراک نیک و تغذیه طیب و طبیعی، توانایی بر اعمال نیک (مؤمنون: ۵۱) و نتیجه اعمال نیک، دیدن رؤیاهای نیک خواهد بود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۹۰).

۲. حیات عقلی جمعی یا سلوک اجتماعی عاقلانه

عاقل در حیات فردی و اجتماعی خود، از سبک فردی و سلوک اجتماعی معقول برخوردار است. شاخص‌های سلوک اجتماعی عاقلانه، دارای مؤلفه‌های مختلفی است که همگی برخاسته از شاخص‌های حیات عقلی فردی هستند. توجه به این نکته در تبیین مؤلفه‌های سلوک اجتماعی عاقل نقش محوری دارد که گرچه صفاتی همچون تواضع، ادب، وقار، عزت، عدالت و مجاهدت در ارتباط با دیگران نمود می‌یابند، ولی ریشه همه آنها وجود ملکات نفسانی حمیده و خصلت‌های قلبی پسندیده در درون فرد عاقل و مؤمن است. شیوه تعاملات اجتماعی انسان برخاسته از ویژگی‌های روان‌شناختی او بوده، همه رفتارهای جمعی او در خصوصیات فردی اش ریشه دارند.

در ذیل، به برخی از مؤلفه‌های سلوک اجتماعی عاقلانه اشاره می‌شود:

الف) سلوک متواضعانه: سلوک مؤدبانه و متواضعانه با همگان، یکی از مؤلفه‌های حیات عقلی در بعد اجتماعی به‌شمار می‌رود. عاقل، به مقتضای عقل خود، همه چیز را از خدا دانسته، در مقابل او احساس فقر و احتیاج

می‌نماید. از این رو، انسان فرهیخته متواضع بوده، در مقابل خلق و خالق گردن‌فرازی نمی‌کند. سلوک متواضعانه و مؤدبانه خردمند، موجب انس مردم با او و احساس رحمت و رضایت می‌شود. عاقل خود را بر دیگران ترجیح نداده، از روی تواضع با دیگران برخورد می‌کند؛ در نتیجه، خدای عالم او را سربلند، رفیع و پرآوازه قرار می‌دهد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳۳۵۴). البته، تواضع منافات با متانت نداشته، از این رو، یکی از شاخص‌های رفتاری انسان عاقل، وقار در رفتار است که شاخص بعدی خواهد بود (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۷۸۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۴۵۳).

ب) سلوک عزتمندانه: نشانه دیگر سلوک اجتماعی عاقلانه، وقار در عین تواضع و عزت در عین نیاز است. به فرموده امیرالمؤمنین علی علیه السلام، یکی از شاخص‌های رفتاری عاقل، وقار است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۴۵۳). برخورد موقرانه با مستکبران، مستکبران، طواغیت و جواهره، مستلزم سلوک عزتمندانه و ظلم‌ناپذیری است. کامل‌ترین مردم از لحاظ عقل، خائف‌ترین و مطیع‌ترین ایشان نسبت به خدای سبحان [است] و کم‌عقل‌ترین ایشان کسی است که از سلطان جائز ترسیده، مطیع‌ترین فرد در اجرای او امر او باشد (همان، ج ۲، ص ۴۲۸). عقل و عاقل از اطاعت طاغوت (زمر: ۱۷ و ۱۸) و قدرت‌های شیطانی که به گناه و نافرمانی از خدا امر می‌کنند، اجتناب کرده، دیگران را نیز امر به خوبی و اطاعت از خدا می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۷۸۴). به‌طور کلی، اعمال رحمانی و خداپسند، نشانگر عقلانیت، و عمل ناپسند، غیرمعمول، ناهنجار و شیطانی، شاخص کم‌عقلی‌اند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، کتاب العقل و الجهل).

ج) سلوک متعبدانه: تربیت یافته عقلی مؤمن به خدا و متعبد به شریعت او بوده و از این رو، همه رفتارهای فردی

فردی و اجتماعی عادل خواهد بود. به عاقل می‌توان اقتدا و اعتماد کرد؛ چراکه عقل منزّه از منکر و آمر به معروف است (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۷۸۴). مهم‌ترین نشانه عقل این است که با عقل، رهایی از آلودگی و گناه حاصل می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۸۴)؛ چه قلوب را خیالاتی زشت است که عقل‌ها از آنها باز می‌دارند (همان، ح ۷۳۴۰). دامن عقل از بدی‌ها و زشتی‌ها به دور، و عاقل دعوت‌کننده به خیرها و نیکی‌هاست (همان، ج ۱، ص ۳۲۸). این نزهت، ناشی از کرامت ذاتی انسان (اسراء: ۷۰) و سبب کرامت اکتسابی اوست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴). طهارت و پاک‌سازی عاقل، موجب فراهم شدن زمینه‌های به‌کارگیری او در امور اجتماعی خواهد شد.

رعایت عدالت فردی و اجتماعی، ثمره روحیه تعبدی است که در باریافتگان به حیات عقلی به‌وجود آمده است؛ چراکه فقط کسانی مراعات شریعت را نموده (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۷۸۵)، از تعدی و تجاوز به حدود الهی بپسندند که قلب آنها به نور معرفت منور باشد، عالم در عرف قرآن کریم، همان عاقل است. پس عدالت، تقوا (بقره: ۱۹۷)، پاک‌دستی، پاک‌چشمی، نزهت، خشیت و حیا از خداوند مخصوص عقلا بوده، از شاخص‌های سلوک ایشان با خدا و خلق به‌شمار می‌روند. از این رو، اگر به کسی به دلیل رعایت نکردن عدالت فردی و اجتماعی نتوان اقتدا کرد، عاقل نیست. البته، هرچند که عدالت و امامت ذومراتب هستند، ولی همه مراتب آنها از نشانه‌های عقل به‌شمار می‌روند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۹۴۳۰).

همه سلوک معتدلانه: اعتدال و میانه‌روی، از ویژگی‌های سلوک اجتماعی عاقل است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۸۲). تسلط بر نفس در تعاملات و تداوم کردار نیک و رفتارهای اجتماعی معتدلانه، نشانه تحقق عقلانیت و خردورزی است. اگر عقل، حاکم بر قوای نفس شده باشد،

و اجتماعی عاقل، مطابق موازین شرعی خواهد بود. سلوک عاقلانه، ملازم و همراه سلوک مؤمنانه، متعبدانه و عارفانه است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ادای هیچ تکلیفی از تکالیف الهی را بدون فهم، معرفت و تعقل نسبت به آن کامل نمی‌دانند (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۷۸۵). بنابر ادله عقلی و نقلی، ایمان (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۲۳۲)، عبودیت، تقرب، تدین (همان، ج ۷، ص ۲۷۸۴) و تسلیم در برابر دستورات خدا (همان، ج ۱، کتاب العقل و الجهل) از نشانه‌های حیات عقلی به‌شمار می‌روند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۶۹۳). انسان عاقل، هدایت‌یافته به سمت خدا و تسلیم در برابر دستورات او بوده، از این رو، به تک‌تک قوانین الهی پایبند است و همگی آنها را به‌جا می‌آورد (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۷۸۴). بسیاری از دستورات الهی، دربردارنده احکام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که روحیه تعبد عاقل موجب پایبندی او به این فرامین خواهد شد.

لازم به ذکر است که روحیه تعبد و تدین، امری کیفی بوده، غیر از عبادت کَمّی، دین‌داری ظاهری، انجام مناسک دینی و کثرت اعمال عبادی به‌شمار می‌روند. از این رو، عبودیت، تسلیم و التزام قلبی به همه دستورات الهی، درجاتی بر اساس میزان معرفت انسان‌ها دارند (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۳۱)؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۹۵۵۳). پس همان‌گونه که عقلانیت دارای مراتب فراوان است، ایمان و عبودیت نیز مراتب بی‌شمار داشته (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۶ و ۴۲)، عاقل‌ترین انسان‌ها پایبندترین و نزدیک‌ترین ایشان به خدای عالم خواهد بود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۴۳)؛ طبرسی، ۱۳۳۹ق، ج ۱۰، ص ۴۸۷). روحیه تعبد، موجب رعایت یکسان حق‌الله و حق‌الناس از جانب انسانی می‌شود که به حیات عقلی، زندگی یافته است.

د) سلوک عادلانه: عاقل به مقتضای عقل خود، در عرصه

تولیدی و اقتصادی، یا در حال قدم برداشتن برای امور اخروی، معنوی و مسائل مربوط به معاد و یا مشغول به لذاذ مشروع طبیعی، فطری و انسانی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۱). اشتغال دایمی عاقل، موجب سودمندی و کارآمدی او برای مردم و ظهور نشانه دیگری خواهد شد و آن نشانه این است که حیات عاقل برای مردم مغتنم و مومات او سبب ماتم خواهد بود (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، قصار ۱۰؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۳۱۷).

جدول شاخص‌ها و نماگرهای حیات عقلی

نماگرهای حیات عقلی انفرادی		
شاخص	مؤلفه‌ها	شاخص‌های ساده یا نماگرهای تحقق حیات عقلی
ترکیبی	نیکوکار بودن	میزان آگاهی از شاخص‌های برنامه‌ریزی نیک که در روایات بیان شده میزان رعایت حال و توجه به اشتیاق مخاطب در هنگام سخن گفتن میزان رعایت زمان و مکان در سخن گفتن نسبت اصرار، تکرار، مشاجره و مجادله در کلام به اکتفا کردن به ضرورت میانگین تعداد ساعات خواب ساعات خوابیدن و بیدار شدن نسبت سیر خوردن به دست کشیدن از غذا پیش از سیری درصد انطباق اقدام سید خرید خانوار با شاخص‌های مطلوب اسلامی تعداد وعده‌های غذایی درصد انطباق برنامه زندگی با شاخص‌های برنامه اسلامی
حیات عقلی فردی یا سبک زندگی	انجام کارهای نیکو	میزان آگاهی از شاخص‌های شرعی حلیت و مطوبیت کردار میزان آگاهی از شاخص‌های تربیت اسلامی در ساخت‌های مختلف میانگین دفعات مراجعه به رساله عملیه در ماه میانگین دفعات مراجعه به متخصصان اسلامی در ماه نسبت مراجعه به متخصص تغذیه اسلامی به مراجعه به متخصص تزکیه اسلامی میزان تقید به واجبات، مانند نمازهای یومیه، نماز جمعه، امر به معروف و نهی از منکر درصد ادای حقوق واجب مالی میزان تقید به نوافل و مستحبات، مانند نماز اول وقت و جماعت، دائم الوضو بودن و روزه درصد ادای حقوق مستحب مالی نسبت غذاهای مصنوعی به غذاهای طبیعی در سید خرید خانوار نسبت رویاهای خوشایند به کل رویاها درصد تحقق شاخص‌های سلامت و بهداشت جسمی، روحی و روانی

نشانه‌های خردورزی را در همه احوال حفظ خواهد کرد، ولی اگر عقلانیت، فقط در بخش فکری بوده، حکومت آن بر نفس محقق نشده باشد، خردورزی مختص به حالات طبیعی و زندگی عادی خواهد بود. بنابر الگوی اسلامی تربیت عقلانی، عاقل کسی است که هم متفکر باشد و هم تفکر او حاکم بر همه احوال و شرایط زندگی او باشد، نه صرفاً در شرایط عادی و طبیعی. از این رو، امیرالمؤمنین علی علیه السلام راه سنجش و ارزیابی عقلانیت مردم را اندازه گیری میزان حفظ تعادل آنها در وضعیت‌های ویژه زندگی معرفی می‌فرمایند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۳۸).

(و) **سلوک صادقانه:** عاقل کسی است که گفتارش، کارهایش را تصدیق کند (همان، ج ۱، ص ۳۶۵)؛ چه عاقل هنگامی که بداند، مطابق علمش عمل کند و چون عمل کند، خالصانه و برای خدا انجام دهد و چون به درجه مخلصان رسد، در کنج عزلت نشسته، وقتش را با حضرت دوست سپری کند (همان، ج ۲، ص ۵۸). این در حالی است که اگر اندیشه بر قوای نفسانی حاکم نباشد، انسان از یک‌رنگی و تعامل صادقانه با مردم خارج می‌شود؛ در نتیجه، میان قول و فعل او جدایی افتاده، شخص به سلوک منافقانه و گرفتن رنگ‌های متعدد دچار خواهد شد. (ز) **سلوک مجاهدانه:** انسان عاقل به دلیل احساس مسئولیتی که بر اثر طهارت روح و روحیه تعبد در او وجود دارد، در سلوک اجتماعی خود منشأ برکت است. انسان عاطل و مسئولیت‌ناپذیر، عاقل نبوده، بلکه مسیتی در میان احیا است (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خ ۸۷). سلوک اجتماعی انسان زمانی معقول خواهد بود که وظیفه خود را شناخته، مشغول به شغلی مطلوب باشد. عاقل خود را مسئول در قبال خود، خدا و خلق دانسته، از این رو، نمی‌توان عاقلی را پیدا کرد که فارغ باشد. عاقل، لاجرم شاغل بوده (همان، خ ۱۶)، در یکی از این چند وضعیت یافت می‌شود: یا در حال تلاش برای حل مشکلات زندگی، امیرار معاش و کار

			نماگرهای حیات عقلی اجتماعی		
			شاخص‌های ساده یا نماگرهای تحقق حیات عقلی	مؤلفه‌ها	شاخص ترکیبی
میزان سحرخیزی (از ثلث آخر تا شب تا طلوع آفتاب)					
میانگین دفعات زیارت اولیای دین از دور در شبانه‌روز و از نزدیک در طول سال					
نسبت اعمال منطبق بر رساله عملیه به کل اعمال میزان احترام به حقوق دیگران درصد پرداخت حقوق و دیون مالی نسبت ملاحظه نظر و پسند دیگران به ملاحظه نظر و پسند خود درصد تئیر حال و نظم و دادخواهی هنگام مشاهده ظلم امکان اقتدا به مرتب‌تری و امام‌قرار دادن او در نماز جماعت درصد خوش‌قولی و پایبندی به تعهدات و مقررات	سلوک عادلانه		درصد رعایت حرمت همه انسان‌ها و مخلوقات درصد رضایت والدین، همسر، اقوام، اساتید، دوستان و آشنایان از مرتب‌تری نسبت تبسم، خوش‌رویی و مدارا با مردم به عیوسی، دعوا و ناسازگاری با آنها نسبت سلام ابتدایی به رذ سلام (نسبت سلام کردن به جواب سلام دادن) درصد رعایت شاخص‌های سلام کردن؛ مانند افزایش سلام، بسط سلام به کوچک و بزرگ، ابتدای سلام در مواجهه با بزرگ‌تر و غیره نسبت روابط اجتماعی برقرارشده به روابط اجتماعی حفظ شده، اعم از روابط دوستی، خانوادگی و عمومی درصد رضایتمندی مرتب‌تری از روابط دوستی، خانوادگی و عمومی خود میزان احوالپرسی در هنگام ملاقات با آشنایان نسبت خداحافظی ابتدایی مرتب‌تری به صبر کردن او برای خداحافظی مخاطب نسبت سکوت کردن به حرف‌زدن در هنگام معاشرت و مسافرت نسبت صدای مرتب‌تری در هنگام صلوات به صدای عموم (هم‌سطحی و یا کمی بالاتر بودن صدای صلوات از صدای عموم، شاخص تواضع است)	سلوک متواضعانه	حیات عقلی جمعی یا سلوک اجتماعی عادلانه
نسبت صلاحیت ظاهری به صلاحیت باطنی نسبت رعایت آداب و رسوم خرافی به رعایت آداب شرعی، رسوم عرفی و سنن عقلایی نسبت افراط و تفریط به رعایت حدود شرعی و عرفی نسبت صلاحیت ظاهری به صلاحیت باطنی نسبت رعایت آداب و رسوم خرافی به رعایت آداب شرعی، رسوم عرفی و سنن عقلایی نسبت افراط و تفریط به رعایت حدود شرعی و عرفی	سلوک معتدلانه				
نسبت نشاط در کارهای خیر عینی به نشاط در کارهای خیر بطنی نسبت کارهای خیر عینی به کارهای خیر بطنی نسبت جلب تأثیر پسند خدا به تأثیر پسند دیگران نسبت تلاش برای جلب توجه مردم به تلاش برای دور ماندن کار خیر از نظر مردم	سلوک صادقانه				
نسبت کارهای فردی به کارهای عام‌المنفعه نسبت گره‌گشایی از مشکلات فردی به گره‌گشایی اجتماعی سهام مرتب‌تری در تولید و خدمت‌رسانی به جامعه اسلامی میزان تلاش برای توسعه، رفاه و حل مشکلات زندگی فردی و اجتماعی میزان تلاش برای ارتقای سطح معنوی و حیات اخروی خانواده و جامعه	سلوک مجاهدانه				
			نسبت احترام به زورمداران و زورمندان در مقایسه با احترام به اقشار متوسط جامعه درصد تأثیر ترس از زورمداران و کارگزاران در بازگویی حق و دفاع از مظلوم نسبت شوخی‌های حق و مزاح‌های مشروع به کل شوخی‌ها درصد یاد خدا در هنگام شوخی	سلوک عزتمندانه	
			نسبت حساسیت به روح مناسک عبادی در مقایسه با احکام ظاهری آنها درصد حضور قلب در نماز میانگین تعداد مراجعان و اعتمادکنندگان به مرتب‌تری در مشکلات مادی و معنوی در ماه نسبت تحمل مردم و حضور در میان آنها به انزوا و خانه‌نشینی	سلوک متعدبانه	

نتیجه‌گیری

سبک زندگی با رویکرد اسلامی، مبتنی بر معنا و فلسفه زندگی اسلامی است، نه معنا و فلسفه زندگی مادی و سکولار. این در حالی است که سبک زندگی در اصطلاح کنونی غرب، به هنرهای تزئینی، همچون سبک دادن به باغچه، گل‌کاری، دکوراسیون و فرش کردن خانه تنزل یافته و امروزه مفهوم سبک زندگی تداعی‌گر تقلید از رهاوردهای صنعتی و سبک‌های ارائه‌شده از زندگی مصرفی دولت‌های سکولار و انطباق خود با تیپ‌های شخصیتی یا گروه‌های فرهنگی خاص است. در رویکرد مادی و سکولار، موسیقی، تلویزیون و آگهی‌های بازرگانی تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی ارائه داده، این تصویرها پیروی از سبک خاصی برای زندگی را القا می‌کنند تا مردم برای نیل به آن هر ابزاری را که لازم است فراهم سازند.

فلسفه زندگی مادی، رشد عقل ابزاری و نیل به رفاه دنیوی بوده، ولی فلسفه زندگی اسلامی به دلالت آیات و روایات، رهایی از حجاب‌های مادی و دستیابی به حیات معنوی و هویت عقلی است. آنچه در رویکرد مادی، معنای زندگی تلقی می‌شود، در رویکرد الهی و اسلامی، معنای مردگی به خود می‌گیرد. با توجه به تفاوت فلسفه و معنای زندگی در رویکرد مادی و اسلامی، مفاهیمی همچون حیات طیبه، سنت انسانی، سبک زندگی و الگوی پیشرفت، باید با در نظر گرفتن فلسفه و معنای زندگی در اسلام معنا شوند. طبق این مبنا، سبک فردی عقلانی و سلوک اجتماعی عاقلانه که در این تحقیق، از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی به‌شمار رفته‌اند، حاکمیت عقل بر همه جنبه‌های مادی و معنوی و دنیوی و اخروی زندگی را دربر خواهد گرفت.

شاخص‌های سبک زندگی عقلانی در دو مؤلفه

«نیکوکار بودن» و «کارهای نیکو داشتن» خلاصه می‌شوند. اگر گوهر ذات کسی قبول شد، در زمره نیکوکاران قرار خواهد گرفت، نه جزء کسانی که رفتارهای نیکو و اعمال شایسته دارند. در قرآن کریم بین (صالحان) و «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» فرق گذاشته شده است؛ آنهایی که کارهای خوب و صحیح انجام می‌دهند، مؤمن متوسط هستند و آنها که گوهر ذاتشان سالم شده و صلاحیت یافته، در زمره صالحان شمرده می‌شوند. برخی با اینکه در دنیا اعمال صالح دارند، ولی به مرتبه صالحان نرسیده‌اند، بلکه در آخرت به آنها ملحق می‌شوند؛ «وَإِنَّهُ فِي الآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (بقره: ۱۳۰).

هر کدام از دو مؤلفه یادشده برای بعد فردی زندگی اسلامی، در مصادیقی همچون برنامه‌ریزی و نظم و تدبیر در زندگی، نیکوگفتاری و خورد و خواب نیکو و نیز داشتن برنامه‌های طیب، خواب طیب و خوراک طیب نمود پیدا می‌کنند. روشن است که هریک از این نماگرها، شاخص‌ها و نماگرهای خردتری دارند که باید در علوم مربوط به خود، مورد تجزیه و تحلیل و شاخص‌بندی قرار بگیرند. اما شاخص‌های سلوک اجتماعی عاقلانه، همگی در شیوه تعامل با دیگران نمود می‌یابند. تعامل عاقلانه با خلق و خالق متعال، پدیدآورنده مؤلفه‌هایی همچون تواضع، تعبد، عزت، عدالت، اعتدال، صداقت، مسئولیت‌پذیری و تلاش و مجاهدت خالصانه خواهد بود. بسیاری از شاخص‌های دیگر سبک و سلوک عقلانی، در همین مؤلفه‌ها قرار می‌گیرند.

مؤلفه‌های مطرح‌شده برای سبک زندگی عقلانی و سلوک اجتماعی عاقلانه، هر کدام مربوط به بعدی از ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری انسان و دارای زیرمجموعه‌های بی‌شماری هستند. آنچه در این تحقیق مورد نظر بوده، تنظیم این مؤلفه‌ها و نشانه‌های پراکنده در

سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ق)، **جوامع الجامع**، قم، مصباحی. — (۱۳۳۹ق)، **مجمع البیان**، بیروت، داراحیاء التراث العربی. فاضل قانع، حمید، «سبک زندگی دینی و نقش آن در کار و فعالیت جوانان» (تابستان ۱۳۹۱)، **مطالعات جوان و رسانه**، ش ۶، ص ۳۶-۶۳.

فاضلی، نعمت‌الله، «مدرنیته و مسکن؛ رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن» (بهار ۱۳۸۷)، **تحقیقات فرهنگی**، ش ۱، ص ۲۵-۶۴.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

متقی هندی، حسام‌الدین (بی تا)، **کنز العمال**، بیروت، مؤسسه الرساله.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۱۶ق)، **میزان الحکمه**، قم، دارالحدیث.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۷)، **تفسیر نمونه**، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۵)، **شرح چهل حدیث**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

مهدوی‌کنی، محمدسعید، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» (بهار ۱۳۸۷)، **تحقیقات فرهنگی**، ش ۱، ص ۱۹۹-۲۳۰.

نوری طبرسی، میرزااحسین (۱۴۱۱ق)، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام.

قالب حیات فردی و اجتماعی عقلانی و ارائه فهرستی به‌منظور انسجام و انتظام مباحث مربوط به سبک زندگی اسلامی بوده است. روشن است که تفصیل‌نماگرهای حیات عقلی و سبک زندگی اسلامی، مستلزم بررسی همه‌جانبه تربیت‌شناختی، عاطفی و اخلاقی انسان و آکاو مبانی، اصول، روش‌ها و موانع زیرمجموعه‌هایی همچون تربیت زیستی، بدنی، هنری، زیبایی‌شناختی، سیاسی، اجتماعی و شغلی خواهد بود.

منابع

نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، ائمه.

ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ق)، **تحف العقول**، قم، جامعه مدرسین.

ابن‌فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، **مقاییس اللغه**، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، **کشف الغمه**، تبریز، بنی‌هاشمی.

تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۶۶)، **غررالحکم و دررالکلم**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، **تفسیر تسنیم**، ج دوم، قم، اسراء.

چاوشیان، حسن و یوسف ابادری، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی؛ رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی» (پاییز و زمستان ۱۳۸۱)، **نامه علوم اجتماعی**، ش ۲۶، ص ۳-۲۸.

حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم، آل‌البتین.

رحمت‌آبادی، الهام و حبیب‌آقابخشی، «سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان» (بهار ۱۳۸۵)، **رفاه اجتماعی**، ش ۲۰، ص ۲۳۵-۲۵۴.

رضوی‌زاده، سیدنورالدین، «بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی روستایی» (پاییز ۱۳۸۴)، **علوم اجتماعی**، ش ۳۱، ص ۱۱۱-۱۴۴.

روحانی، علی و دیگران، «سبک زندگی و هویت ملی» (۱۳۸۹)،

مطالعات ملی، ش ۴۴، ص ۱۲۷-۱۵۲.

صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۶)، **الامالی**، تهران، کتابچی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، **تفسیر المیزان**، ترجمه